

خسونت روی پرده تفره‌ای

در جشنواره فیلم فجر امسال هم فیلم‌هایی به نمایش درآمده که متأثر از خشونت‌های پیدا و پنهانی است که در جامعه شیوع دارد. فیلم‌های «آه سرد» به کارگردانی ناهید عزیزی، «یادگار جنوب» به کارگردانی پدرام دوماری، «استاد» به کارگردانی عماد حسینی، «روایت ناتمام سیمیا» به کارگردانی علیرضا صمدی و «وایل» به کارگردانی تورج اصلانی از آن جمله است. این آثار و آثاری از این دست که در دوره‌های قبل جشنواره با همین مضامین تولید شده است، فارغ از جنبه نمایشی تلاش دارد خشونت‌های عیبانی را که زیر پوست شهر جریان دارد در معرض دید عموم قرار دهد. فیلم‌های جنایی و پلیسی از ژانرهای منحصر به فردی هستند که در صورت پرداخت درست کارگردان به روایت مطرح شده، مخاطبان زیادی را با خود همراه می‌کنند. این روایت‌ها عمدتاً اسیر زمان هستند و با گذشت زمان تازگی خود را از دست می‌دهند، مثل فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» که سال ۸۰ رسول صدرعاملی در آن موضوع فرار دختران را روایت کرد و مورد اقبال بسیاری قرار گرفت، اما این فیلم در عصر امروز نمی‌تواند جذابیت‌های ابتدای دهه ۸۰ را که در فیلم روایت می‌شود، بازگو کند. موضوع دیگر درباره تأثیرپذیری اجتماعی و حوزه تصمیم‌گیری از نمایش این آثار است. درباره تأثیرپذیری اجتماعی از این آثار مبنایی برای سنجش موضوع وجود ندارد. با وجود اینکه بسیاری از این آثار در مدارس و دانشگاه‌ها نمایش داده می‌شوند یا برای این گروه‌های سنی به نمایش درمی‌آیند، اما نسبت به تأثیرپذیری‌های صورت گرفته راستی‌آزمایی صورت نمی‌گیرد. در مورد تأثیر این دسته‌از آثار نمایشی در حوزه تصمیم‌گیری هم همین قاعده برقرار است و تا جایی که تجربه نشان داده این دسته از نمایش‌ها در ایجاد تغییر در سست در سازو کارهای حاکم موفق نبوده‌اند. ذکر این نکته هم ضرورت دارد که ورود سازندگان فیلمه‌های جنایی و پلیسی مثل وارد شدن یک مرجع‌کننده به دستگاه قضایی یا بدبینی و چالش‌های بسیاری همراه است. با وجود این در سایه حاکمیت همین چالش‌هاست که این آثار تولید می‌شود.

در جشنواره امسال ناهید عزیزی در «آه سرد»، روایت یک داستان جنایی را که در آن قتل ناموسی رقم خورده با نگاهی به زندگی بازماندگان از این حادثه تلخ روایت می‌کند. متهم پس از قتل همسرش که با انگیزه خیانت رقم خورده به زندان محکوم می‌شود و پسرش بیرون از زندان با دو گانه‌ای از برچسب خوردن فرزند قاتل و مقتول دست به گریبان است. او از رفتار پدرش خشمگین است و فکر قتل پدر را در ذهنش مرور می‌کند و پدر که پس از آزادی تکران سرنوشت تلخ پسرش است ترجیح می‌دهد در سرماثل سگ بمیرد، ولی دست پسرش به خون آلوده نشود. کارگردان «یادگار جنوب» هم روایتی از داستان‌های جنایی پر از رقابت‌های عشقی با تأکید بر انتقام‌گیری‌های رایج در این داستان‌ها را روایت می‌کند، دعای دو دوست قدیمی بر سر یک دختر که منجر به دشمنی می‌شود. عماد حسینی در فیلم «استاد» نیز روایتی از خیانت‌های پیدا و پنهان در روابط کاری بین جنس‌های مخالف را مطرح می‌کند. این فیلم قلمه «گلنوش»، دانشجوی رشته معماری را که توسط استاد نقاشی‌اش مورد تعرض قرار می‌گیرد به نمایش می‌گذارد. داستان فیلم از این قرار است: گلنوش دانشجوی جوانی است که قصد دارد برای ادامه تحصیل به اتریش برود و درخواست پذیرش از دانشگاهی در اتریش را دارد. او نیاز به توصیه‌نامه‌ای از یکی از اساتید مطرح در این زمینه دارد و از تباطؤ بیشتر او با اسنادا سبب بروز ماجرایی تلخ می‌شود. داستان فیلم «پرونده‌باز» هم برگرفته از پرونده‌ای جنایی و پرحاشیه دهه ۸۰ است. در این فیلم که فضایی جنایی و ملتهب دارد، یک نوجوان ۱۵ ساله مرتکب قتل شده و حالا در انتظار حکم دادگاه است. این نوجوان که فرهاد نام دارد عاشق دختر همسایه می‌شود، اما با باز شدن پای رقیب عشقی به نام علیرضا، حادثه نزاع خونین رقم می‌خورد. فیلم «روایت ناتمام سیمیا» نیز روایت زنی موفق است که انتشار یک خبر در فضای مجازی زندگی او را به چالش می‌کشد. فیلم «وایل» هم روایتی از زندگی اهالی یک روستای سیل‌زده است که بعد از بی‌خانمانی در یک ایستگاه متروک قطار به‌طور موقت زندگی می‌کنند، اما یک اتفاق مسیر حوادث را تغییر می‌دهد.

نجات ۹ شهروند از میان دودو آتش

۹ نفر از ساکنان ساختمان مسکونی که در جریان حادثه آتش‌سوزی گرفتار شده‌بودند با تلاش امدادگران نجات پیدا کردند.

عصر روز گذشته آتش‌نشانان سه ایستگاه از حادثه آتش‌سوزی در خیابان خرمشهر باخبر و در محل حاضر شدند. علیرضا معصوم‌زاده، فرمانده آتش‌نشانان در توضیح حادثه گفت: محل ساختمان مسکونی پنج طبقه، ۱۵ واحدی بود که آتش‌سوزی در طبقه اول آن که واحدی حدود ۷۰ متری بود، اتفاق افتاده و آیران‌تمان کاملاً در آتش شعله‌ور شده‌بود. در بررسی‌های اولیه معلوم شد بیشتر ساکنان در آبارتمان‌های خود حضور دارند که امدادگران در اولین گام با ایمن‌سازی محل به تیم‌های جداگانه تقسیم و موفق شدند همزمان با خاموش کردن آتش ۹ نفر را که میان دود و آتش گرفتار شده‌بودند، نجات دهند. در میان مجوسین، خانمی حدود ۶۰ساله حضور داشت که به علت بیماری ام اس قادر به حرکت نبود و خوشبختانه آتش‌نشانان وی را به پشت‌بام منزل منتقل کردند. علت حادثه در دست بررسی است.

کشف جسد مرد ناشناس در رودخانه شور آباد

ماموران پلیس تهران نیم‌تنه مرد جوانی را داخل رودخانه شورآباد در جنوب تهران کشف کردند که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود.

به گزارش جوان، ظهر پنجشنبه ۱۳ بهمن‌ماه رهگذری تلفنی به مأموران پلیس تهران خبر داد جسد مردی در داخل رودخانه‌شور آباد در جنوب تهران دیده است.

با اعلام این خبر، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی راهی محل حادثه شدند.

کارآگاهان داخل رودخانه با نیم‌تنه مردی حدوداً ۲۵ساله روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود.

مرد رهگذر گفت: «در حال عبور از نزدیکی رودخانه‌بودم که متوجه جسدی داخل رودخانه شدم و بلافاصله به مأموران پلیس خبر دادم.»

هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد به دستور بازپرس ویژه قتل برای شناسای هویت و انجام آزمایش‌های لازم برای مشخص شدن زمان و علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

آزمین بینا

نوجوان خلافکار که به اتهام سرقت مسلحانه دستگیر شده، مدعی است زندگی‌اش شباهت زیادی به شخصیت منفی فیلم مشتری شیش‌ونیم دارد. او در بازجویی‌ها گفت که پدرش از کودکی به او آموزش‌های مجرمانه داده و او را برای کارهای خلاف تربیت کرده است.

پدر متهم به اتهام خرید و فروش مواد مخدر به‌اعدام چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید دو سارق مسلح خودروی نیسان باری را در نزدیکی بزرگراه آزادگان سرقت و راننده آن را هم دست و پا بسته در بیابان‌های اطراف تهران رها کرده‌اند.

راننده خودروی نیسان وقتی به اداره پلیس رفت در توضیح ماجرا گفت: «روز قبل با خودرویم از تهران بار به شهرستانی بردم و دوباره به تهران برگشتم، ساعتی قبل هوا تاریک شده بود

که وارد بزرگراه آزادگان شدم و برای دقایقی



حقوق

سرویس حوادث ۸۴۹۸۴۳۵

متهم: خلافکاری ارثیه خانوادگی ماست!

در یکی از توقفتگاه‌های بزرگراه خودرو را نگه داشتیم تا با یکی از

دوستانم تلفنی صحبت کنم. لحظاتی بعد مردی که کاغذی در دست داشت به من نزدیک شد و از من آدرس پرسید. هنوز آدرس را به او نگفته بودم که کلت کمری روی شقیقه‌ام گذاشت و تهدید کرد حرکت کنم. با خودرو حرکت کردم و متوجه شدم همدستش با یک موتورسیکلت ما را تعقیب می‌کند. او مرا با خودرویم به بیابان‌های اطراف تهران برد و در آنجا دو نفری دست و پایم را با طناب بستند و همانجا راهیم کردند و سپس یکی از آنها سوار خودرو شد و دوستش هم با موتورسیکلت از آنجا دور شدند. من به سختی دست و پایم را باز کردم و بعد از یک راننده عبوری درخواست کمک کردم و با تلفن او موضوع سرقت را به پلیس خبر دادم.

بازداشت سارقان در طرح پلیس

با طرح این شکایت، تیمی از مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان مسلح آغاز کردند. مأموران پلیس در ادامه با شکایت مشابه دیگری روبه‌رو شدند که سارقان به همان شیوه خودروی نیسان باری دیگری را سرقت و برای ترساندن راننده آن اقدام به تیراندازی هوایی

گفت‌وگو با شهروز

متهم هر چند سن کمی دارد و هنوز نوجوان است، اما مجرم سابقه‌داری است و پرونده‌اش پر از خلاف‌های ریز و درشت است. او مدعی است خلاف را پدرش به او آموزش داده است.

شهروز چطور با این سن کم پرونده‌ات سیاه است؟

واقعتیش این ارثیه خانوادگی من است. پدرم خلافکار است و او هم از پدرش به ارث برده و من از پدرم خلاف را به ارث برده‌ام. البته پدرم تنها از پدرش خلاف را به ارث نبرده، چون عموهای نیز خلافکار هستند و آنها هم راه پدرشان را ادامه دادند و فقط یکی از عموهای تحصیلکرده است و او هم به خاطر آبرویی از ایران مهاجرت کرده است.

پدرت الان هم خلاف می‌کند؟

پدرم چند سال قبل به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر دستگیر شد و به زندان افتاد. در دادگاه به اعدام محکوم شد، اما به رأی دادگاه اعتراض کرد و عفو شامل او شد و حکمش از اعدام شکست و به حبس ابد تبدیل شد و الان هم در زندان است.

پدرت قاچاق‌فروش بود، چرا شما راه او را ادامه ندادی؟

پدرم علاوه بر قاچاق‌فروشی، سرقت هم می‌کرد. اوایل سرقت می‌کرد و خرده‌فروش مواد هم بود، اما کم‌کم خرده‌فروشی را کنار گذاشت و با قاچاقچیان بین‌المللی همکاری کرد. زمانی که سرقت می‌کرد من پنج، شش سال داشتم که مرا همراه خودش به سرقت می‌برد، از آن دوران بود که با سرت آشنا شدم.

یعنی پدرت به شما آموزش سرقت می‌داد؟

بله، او به من آموزش می‌داد. هر زمانی با هم به سرقت می‌رفتیم، تمامی فن و فنون آن را به من یاد می‌داد و من هم سعی می‌کردم آموزش‌های او را یاد بگیرم و خوب هم یاد گرفتم.

قاچاق‌فروشی هم می‌کردی؟

یکبار در دوران کودکی، پدرم داخل کیفم مواد جاسازی کرد و قرار شد من به خریداری تحویل بدهم که مأموران پلیس به من شک و مواد را در داخل کیفم کشف کردند. البته همان زمان فهمیدیم یکی از رقبای پدرم مرا ولاده بود.

چرا با اسلحه به سرقت می‌رفتی؟

موضوع اسلحه برمی‌گردد به حادثه‌ای که برای برادر کوچک‌ترم رخ داد. دو سال قبل از اینکه پدرم دستگیر شود، رقبای پدرم برادر کوچک‌ترم را که الان ۱۲ سال سن دارد در راه مدرسه ربودند و بعد برای آزادی او درخواست پول کردند. پدرم به آنها پول داد و برادرم آزاد شد. پس از این حادثه، پدرم از من خواست برای اینکه در مواجهه با افراد خلافکار بتوانم از خودم دفاع کنم اسلحه با خودم ببرم. از آن زمان به بعد من اسلحه داشتم.

معتادی؟

نه، همیشه نصیحت پدرم آویزه گوشم است. او می‌گفت اگر می‌خواهی یک خلافکار حرفه‌ای شوی هرگز خودت را آلوده مواد مخدر نکن. می‌گفت اگر معتاد شدی همه چیز را از دست می‌دهی و زندگی‌ات نابود می‌شود. پدرم حتی سیگار هم نمی‌کشد و در تمامی سال‌هایی که مواد می‌فروخت یک بار هم از آن استفاده نکرده است. یادم می‌آید یکبار که برای او کوکائین آورده بودند تا بخش کند به او گفته بودند خودش تست کند، اما او اصلاً بز نزد و گفت یک قاچاقچی حرفه‌ای هرگز لب به مواد نمی‌زند. از طرفی هم می‌گفت مواد مخدر همه ناخالص هستند و فقط باعث بیماری مصرف‌کننده می‌شود.

زندگی عجیبی را تجربه می‌کردی، درسته؟

بله، زندگی ما شبیه فیلم سینمایی متری شیش‌ونیم است. وقتی آن فیلم را دیدیم، تازه متوجه شدیم زندگی ما شبیه آن فیلم است.

چقدر در این مدت سرقت داشتید؟

من و همدستم در این مدت دو خودروی نیسان سرقت کردیم که یکی را فروختم و پولش را تقسیم کردیم و خودروی دوم را هم عوض بدهی‌مان به طلبکارمان دادیم. البته ما علاوه بر سرقت دو خودرو در خیابان‌ها از شهروندان هم زورگیری می‌کردیم.

چند بار آخر؟

من الان خسته شدم‌ام و می‌خواهم این بار که از آزاد شدم، ارثیه پدری‌ام را برای همیشه کنار بگذارم. دلم برای برادر و خواهرم می‌سوزد و دوست ندارم آنها زندگی‌شان تباه شود.

کلاهبرداری ۳۰۰ میلیون با فروش سؤالات جعلی کنکور

رئیس پلیس فتای غرب استان تهران از بازداشت مدیر کانال تلگرامی که با فروش سؤالات کنکور موفق به کلاهبرداری ۳۰۰ میلیون تومانی شده بود، خبر داد.

سرهنگ سیدنظام موسوی گفت: مأموران پلیس فتا در جریان بررسی‌های خود از فعالیت یک کانال تلگرامی که در زمینه فروش سؤالات کنکور فعال بود، باخبر شدند. وی ادامه داد: بررسی‌های بعدی نشان داد متهم با وعده فروش سؤالات موفق شده ۱۰ نفر از دنبال‌کنندگان را فریب دهد و ۲۰۰ میلیون تومان از آنها کلاهبرداری کند. سرهنگ موسوی گفت: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های بیشتر متخلفان متهم را در شهر پرد شیراسایی و او را دستگیر کردند. موسوی گفت بررسی برای کشف جرائم بیشتر متهم جریان دارد.

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری رانا مدل ۱۳۹۳

به شماره موتور B۰۰۷۰۵۱۶ و شماره شاسی NAAU۰۱FE۲ET۰۳۷۸۱۸ و شماره انتظامی ایران ۲۵-۵۴۱ هـ ۳۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

تبریز

مفقودی

کارت ماشین کامیون کمپرسی بنز مدل ۱۳۸۹ به رنگ نارنجی روغنی به شماره انتظامی ایران ۱۱-۱۹۱ع ۹۵ و شماره موتور ۳۷۴۳۳۱۶۰۱۱۲۴۴۷ و شماره شاسی ۳۷۴۳۳۱۶۰۶۲۰۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

تبریز

عمل شهادت ملمور پلیس به قصاص محکوم شد



■ جلال مهرگان مرد سارق که در جریان سرقت از خانه دختری جوان مأمور پلیس را به شهادت رسانده بود، محاکمه و به قصاص محکوم شد.

به گزارش «جوان»، یک سال قبل مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت پیامکی از خواهرش دریافت کرده که در آن نوشته دزد وارد خانه‌ام شده و دست و پای او را بسته‌است. بعد از اعلام گزارش، مأموران کلانتری نامجو

خود را به محل که آبار تماتی در طبقه ششم ساختمانی مسکونی بود، رسانند. وقتی استوار امیرکیوانلو برای بازداشت سارق قدم به داخل ساختمان گذاشت در راهله با دزد ۲۱ساله مواجه شد که قصد فرار داشت. او وقتی مأمور پلیس را مقابل خود دید با چاقویی که در دست داشت، ضربه‌ای به سینه پلیس وارد کرد، اما مقابل در ساختمان دستگیر شد. مأمور زخمی هم به بیمارستان منتقل شد، اما خبر رسید که به علت شدت جراحت فوت شده‌است.

متهم که سوابق زیادی در مصرف شیشه و هرویین داشت، وقتی مورد تحقیق قرار گرفت به قتل اعتراف کرد. او گفت: من چند سالی است که سرقت می‌کنم و کارتن‌خواب هستم. خانواده‌ام در مازندران زندگی می‌کنند. آن روز هم برای سرقت وارد خانه دختر جوان شدم که با او مواجه شدم، دست و پایش را بستم، خانه‌اش را گشتم و طلا، موبایل، کنسول بازی و دوربین عکاسی‌اش را سرقت کردم. در حال فرار از راه‌پله‌های ساختمان بودم که با مأمور پلیس روبه‌رو شدم و با چاقو به او ضربه‌ای زدم.

متهم در شرح بیشتر سرقت هم گفت: وقتی وارد خانه شدم، فکر کردم کسی داخل خانه نیست. وقتی با آن دختر روبه‌رو شدم، دست به چاقو شدم و او را تهدید کردم. دست و پایش را بستم و خانه را جست‌وجو کردم. حدود یک ساعت در حال جست‌وجو بودم تا جاییایی قیمتی را سرقت کنم و او در این فرصت برای برادرش پیامک فرستاده و به پلیس اطلاع داده‌بود. متهم ادامه داد: من قبل از سرقت هرویین مصرف کرده‌بودم و نمی‌خواستم کسی را به قتل برسانم و انگیزه‌ام فقط سرقت بود.

بعد از کامل شدن بررسی‌ها، متهم به صحنه جرم منتقل و صحنه جنایت را بازسازی کرد. بعد از آن بود که کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. هیئت قضایی بعد از بررسی اوراق پرونده با ایراد شکلی از دادسرا خواستند برخی نواقض موجود را رفع کنند. با رفع نواقض مطرح‌شده، پرونده به صورت ویژه در نوبت رسیدگی قرار گرفت. در جلسه رسیدگی به پرونده اولین‌بارم در جایگاه قرار گرفتند و برای متهم درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و جرمش را قبول کرد. او گفت آن روز برای سرقت وارد آن خانه شده‌بودم. بعد از سرقت هم در حال فرار بودم که در راه‌پله، با مأمور پلیس روبه‌رو شدم. او از من خواست خودم را تسلیم کنم، اما قبول نکردم و با او در گیر شدم و با چاقو به او ضربه زدم. بعد هم به طرف در ساختمان فرار کردم، غافل از اینکه مأموران مقابل در هستند که من را بازداشت کردند. هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم و کیل وی وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند.

۳ کشته در تصادف مزدا با پژو پارس با پژو پارس

تصادف خودروهای مزدا با پژو پارس سه کشته و دو زخمی برای گذاشت.

سرهنگ عیسی گوهری، رئیس پلیس راه استان کردستان گفت: روز گذشته مأموران پلیس از حادثه رانندگی در کیلومتر ۴ محور «پنجار- یاسوندک» باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه بین خودروهای مزدا و پژو پارس رقم خورده‌است که در جریان آن راننده مزدا و دو سرنشین سواری پژو پارس جان خود را از دست دادند. همچنین یک سرنشین مزدا و راننده پژو پارس هم مجروح شده‌بودند که به بیمارستان منتقل شدند. علت حادثه انحراف از چپ مزدا اعلام شده‌است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسنادواملاک حوزه ثبت ملک فریمان

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی

و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۲۰۰۴۴۰۶۲۰۰۱۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای وحید متقیان فرزند حسن به شماره شناسنامه ۵۷۹۸ صادره مشهد با کد ملی ۰۹۳۴۱۸۲۷۹ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۲۰۵۰۳۵ مترمربع پلاک فرعی از ۳۴۱ اصلی واقع در بخش ۵ خربداری از مالک رسمی آقای حجتی اسماعیل شافو، محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض، طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

محمد رضا جایی مقدم- رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان